

# المپیزه و المپیک زمستانی

رحیم رضانی نژاد

دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی دانشگاه کیلان

## فهرست:

۴۷.....	چکیده
۴۸.....	تاریخچه المپیک زمستانی
۴۹.....	کوبرتن و بازی های زمستانی
۵۰.....	اوری برانديج و بازی های زمستانی
۵۲.....	زمینه های طبیعی و اجتماعی بازی های زمستانی
۵۳.....	آینده بازی های المپیک زمستانی
۵۵.....	منابع و مآخذ

## چکیده:

بازی های المپیک زمستانی، بخشی از بازی های المپیک است و در مقایسه با بازی های تابستانی، دوران جدیدی را پشت سر می گذارد و از نظر اجتماعی و اقتصادی نیز اهمیت کمتری از بازی های تابستانی دارد. برخی از محققان، اعتبار و اهمیت کمتری برای بازی های زمستانی قایل هستند و آن را با ایده آل جهانی بودن المپیک نام سازگار می دانند. از این رو، ارزش جهانی بودن المپیک در بازی های زمستانی با شک و تردید زیادی همراه است. از طرفی، بررسی تاریخی نشان می دهد که حرفه ای گرای در این بازی ها رشد و گسترش زیادی داشته است و از طرف دیگر، امکان حضور همه یا بسیاری از کشورها در این بازی ها فراهم نیست.

بازی های زمستانی به شرایط جغرافیایی، محیطی و جوی خاصی نیاز دارد. کشورهایی که زمستان طولانی، بارش برف زیاد و ناهمواری های مناسب ندارند، شانس برای حضور در این بازی ها، تعمیم یا گسترش آن را ندارند. بنابراین، بسیاری از کشورهای اروپایی و آمریکای شمالی به دلیل داشتن شرایط جغرافیایی و اقتصادی، این بازی ها را به انحصار خود درآورده اند.

تغییر استراتژی و سیاستگذاری سازماندهی بازی های المپیک زمستانی و فدراسیون جهانی می تواند در این زمینه کمک کننده باشد. تعریف و تقسیم بندی دوباره بازی های زمستانی و تابستانی همچنین بررسی

مسائل اقتصادی بازی های زمستانی در تحقق المپیزم نقش زیادی خواهد داشت.

### واژه های کلیدی:

۱- المپیک زمستانی ۲- آماتوریزم ۳- جهانی بودن ۴- شرایط اقلیمی و اقتصادی

## تاریخچه المپیک زمستانی

یکی از اولین فدراسیون های بین المللی ورزشی، اتحادیه بین المللی اسکیت<sup>۱</sup> بود؛ چون ورزش اسکیت در اروپا گسترش زیادی داشت و حتی جایگاه ویژه ای در فصل تابستان برای این ورزش زمستانی درست شده بود. در جلسه سال ۱۸۹۴، کمیته بین المللی المپیک تصمیم گرفت اسکیت را جزء رشته های ورزشی در برنامه بازی های المپیک قرار دهد، ولی احتمال اجرای آن در المپیک اول (۱۸۹۶، آتن) وجود نداشت. در المپیک دوم (۱۹۰۰، پاریس) اسکیت جزء برنامه بازی ها قرار گرفت ولی نهایتاً برگزار نشد. در المپیک چهارم (۱۹۰۸، لندن) بخشی از ورزش های زمستانی (اسکیت) اولین بار، در تاریخ المپیک برگزار شد، البته فوتبال و بوکس نیز جزء ورزش های زمستانی در نظر گرفته شده بود.

امروزه تعریف ورزش های زمستانی متفاوت است و بر اساس منشور المپیک (۱۹۹۶) ورزش هایی که روی برف و یخ اجرا می شوند، جزء ورزش های زمستانی هستند. در جلسه بوداپست (۱۹۱۱)، کمیته بین المللی المپیک پیشنهاد یک عضو ایتالیایی این کمیته، مبنی بر پذیرش یا عضو بودن بازی های نوردیک<sup>۲</sup> یا صحرانوردی در المپیک پنجم (استکهلم، ۱۹۱۲) را رد کرد. البته علت برگزار نشدن مسابقه های اسکیت در این دوره، کمبود امکانات ویژه اعلام شد. مخالفت کشورهای اسکاندیناوی بویژه سوئد با بازی های المپیک زمستانی؛ به این دلیل

بود که بازی های المپیک به پرستیژ بازی های نوردیک آنها و مسابقه های هولمنکولن<sup>۳</sup> لطمه می زند. در المپیک ششم (برلین، ۱۹۱۶) برای اولین بار، رشته های اسکیت نمایشی، هاکی روی یخ و اسکی جزء برنامه بازی های المپیک تابستانی قرار گرفت. قرار بود این بازی ها با نام «المپیک زمستانی» در فلذبورگ (فوریه، ۱۹۱۶) بخش شمال غربی آلمان برگزار شود. وقوع جنگ جهانی اول نیز مانع از اجرای این مسابقه ها شد.

در المپیک هفتم (آنتورپ، ۱۹۲۰) اولین بار بازی اسکیت نمایشی و هاکی روی یخ در محوطه ویژه برای اسکیت برگزار شد. البته راینی کشورهایمانند اتریش، سوئیس، کانادا و آلمان، کمیته بین المللی المپیک را مجبور کرد، ورزش های زمستانی را جزء برنامه بازی ها قرار دهد. حضور ورزش های زمستانی در این دوره شکل گیری المپیک مستقل زمستانی را در سال های بعد فراهم آورد. در جلسه کمیته بین المللی المپیک (لیسبون، ۱۹۲۶) این دوره از بازی های زمستانی، رسماً به عنوان اولین دوره بازی های المپیک زمستانی پذیرفته شد. این بازی ها در چهار رشته اسکیت سرعتی و اسکیت نمایشی؛

1. International skating union (ISU, 1892)

2. Nordic

3. Holmenkollen

(مسابقه های ویژه کشورهای اسکاندیناوی است که از سال ۱۸۹۲ و هر سال در نروژ و تا قبل از المپیک زمستانی برگزار می شد)

وفنی زیادی همراه بود و به دلیل وجود مشکلات فراوان، حضور و سازماندهی ورزش های زمستانی در بازی های المپیک تابستانی (حتی اگر هر دو در زمان مناسبی از سال با هم برگزار می شدند) مقدور نبود.

در آغاز نهضت المپیک، از بازی های زمستانی به عنوان بازی هایی بحث می شد که منشاء خاص یا سند تاریخی ندارند. سازگاری و همخوانی این بازی ها نیز با مدل کلاسیک بازی های یونان، مورد سؤال بود. اگر در یونان شرایط جوی اجازه می داد، آیا ورزش های زمستانی جزء بازی های المپیک قرار می گرفت؟

هر چند کوبرتن، هرگز قصد نداشت بازی های یونان را عیناً نسخه برداری و کپی کند. او همیشه بیان می کرد که بازی های المپیک جدید باید با نیازهای زمان جدید انطباق داشته باشد. البته بین بازی های جدید و فرهنگ یونان باستان هیچ رابطه ای وجود نداشت. کوبرتن در کتاب خاطرات المپیک، از بازی های زمستانی با عنوان بخش تکمیلی بازی ها یاد می کند و می گوید: «آیا قله کوه المپ پوشیده از برف نبود؟»

کوبرتن در مقاله ای در سال ۱۹۰۱ نوشت: «در یونان، شرایط محیطی زیبایی حرکت بدن و در اسکاندیناوی استحکام یا زمختی بدن را برای شکار تحمیل می کرد؛ اما در هر دو مورد ماهیت تلاش بدنی وجود دارد.»

ورزش های زمستانی، همیشه به رعایت نکردن ارزش های المپیک (آماتوریزم) متهم می شدند. در المپاد چهارم زمستانی (آلمان، ۱۹۳۶) رشته اسکی آلپاین<sup>۲</sup> جزء برنامه بازی ها قرار گرفت. اما این

سورتمه<sup>۱</sup>؛ هاکی روی یخ و اسکی نوردیک با شرکت ۱۶ کشور و حدود ۲۹۳-۲۵۸ ورزشکار برگزار شد.

## کوبرتن و بازی های زمستانی

کوبرتن ایده المپیک (المپیزم) را بیان کرده است که برخی از ارزش های اصلی آن آماتوریزم، ورزشکار اخلاقی، دموکراسی، احساس یا درک بین المللی است. بسیاری از این ارزش ها به ورزش خاصی محدود نیست و کوبرتن تلاش می کرد ورزش را وسیله ای برای آموزش و تربیت معرفی کند. محققان بسیاری معتقدند که کوبرتن مخالف ورزش های زمستانی بود؛ ولی او ارزش ورزش های زمستانی را پایین تر از ورزش های تابستانی نمی دانست. وی معتقد بود که ورزش های زمستانی ریشه در ورزش یا بازی معینی ندارند که زیبا و اصیل به نظر برسند.

کوبرتن در کتاب خاطرات المپیک، ورزش های زمستانی را جزء ورزش های کاملاً آماتوری به حساب می آورد و با صراحت جایگاه بالایی را برای آنها در نظر می گیرد که حذف آنها از برنامه، توانایی و ارزش المپیک را کاهش می دهد. در اختتامیه اولین المپید زمستانی، کوبرتن خواستار حضور ورزش های دیگری در برنامه بازی های المپیک شد. ولی کوبرتن به دلایل مختلف تمایل نداشت بازی های زمستانی از طریق سازمان بازی های زمستانی اداره شود. او دوست داشت بازی های المپیک تابستانی و زمستانی همزمان و در یک محل مانند المپیک باستان سازماندهی شود. بنابر اعتقاد کوبرتن، بازی های المپیک باید همه فعالیت های ورزشی متداول در دنیای جدید را دربرگیرد. اما اتحاد و ترکیب بازی های تابستانی و زمستانی به دلایل مختلف امکان پذیر نبود. این ترکیب با مشکلات سازماندهی

1. Bobsled

2. Alpine skiing

اعتراض شدید یونانی ها حذف شد. ترکیب این دو سنت گام بزرگی برای نهضت المپیزم و تغییر حرکت تدریجی بازی های زمستانی بود.

### آوری برانديج و بازی های زمستانی

بعد از جنگ جهانی دوم، اوری برانديج از آمریکا ریاست کمیته بین المللی المپیک (۱۹۷۲-۱۹۵۲) را بر عهده داشت. وی همیشه به استقلال مالی و سیاسی نهضت المپیک تأکید می کرد. او به جنگ بازی های زمستانی رفت و به مدت ۲۰ سال مانند دون کیشوت واقعی، در مقابل فشارهای اقتصادی و سیاسی مقابله کرد. برانديج ایده آل های زیادی را دلاورانه برای المپیک مطرح ساخت، ولی ایده آل های او عملی نبودند. او آماتوریزم و دوری از فشارهای سیاسی را جزء ارزش های بنیادین المپیک می دانست و معتقد بود که بدون آنها نهضت المپیک محکوم به شکست و سقوط است.

تفسیر برانديج و تأکید او بر ایده های کوبرتن بیانگر رویکرد روشنفکرانه او به ایده آل های المپیک است. او با بازی های زمستانی المپیک مخالف بود و می گفت: «بازی های زمستانی المپیک اشتباه اسف باری است که نهضت المپیک را لکه دار خواهد کرد.»

در سال ۱۹۵۷، برانديج در نامه ای به ادستروم (ریس قبلی کمیته بین المللی المپیک) چنین نوشت: «اما نباید بازی های المپیک زمستانی را به وجود می آوریم و اکنون چگونه می توانیم آن را متوقف کنیم؟» برانديج از دو مفهوم اصلی، برای توصیف ناسازگاری بازی های زمستانی با ایده المپیک استفاده می کرد؛ بنابر نظر او، بازی های زمستانی با دو ارزش بنیادی المپیک یعنی آماتوریزم و جهانی بودن<sup>۱</sup>

موضوع موجب اختلاف بین فدراسیون بین المللی اسکی (FIS) و کمیته بین المللی المپیک شد. فدراسیون اسکی، ورزشکارانی را که به عنوان مربی اسکی کار می کردند، جزء ورزشکاران آماتور می دانست، در صورتی که کمیته بین المللی المپیک در نشست سال ۱۹۳۵ (اسلو) این ورزشکاران را آماتور نمی دانست. فدراسیون جهانی اسکی تصمیم گرفت بازی های المپیک بعدی را تحریم کند تا کمیته بین المللی المپیک تعریف خود را از آماتور تغییر دهد. سال بعد، کمیته بین المللی المپیک درباره توقف یا ادامه بازی های زمستانی رأی گیری کرد و بیشتر اعضا به ادامه بازی های المپیک زمستانی رأی دادند. بازی های زمستانی مشکلات زیادی را پشت سر گذاشت تا جزء بخش تکمیلی بازی های المپیک قرار گیرد و همیشه درستی حضور این بازی ها و سازگاری آن با روح المپیک مورد سؤال بود. از این رو، بازی های زمستانی مدام برای کسب هویتش تلاش می کرد. در سال ۱۹۵۲، سازماندهندگان بازی های زمستانی (اسلو- نروژ) کوشیدند رسم یا سنتی را در این بازی ها به وجود آورند تا به کسب هویتش کمک کند. سازماندهندگان بازی با الهام از مشعل المپیک در بازی های تابستانی ۱۹۳۶ (برلین- المپیا دزدهم) حمل مشعل المپیک را در این بازی ها آزمایش کردند. مشعل المپیک زمستانی، در خانه پیشگام ورزش اسکی در نروژ روشن شد و این حرکت در بازی های زمستانی ۱۹۶۰ (اسکواولی، آمریکا) تکرار شد. در بازی های زمستانی ۱۹۶۴ (اینسبرگ، اتریش) ارتباط سمبولیک (نمادین) بین بازی های المپیک یونان باستان و بازی های زمستانی المپیک با حمل مشعل المپیک برقرار و مشعل المپیک در شهر المپیا روشن شد. البته طرح اولیه یکی کردن مشعل، یعنی رسم بازی های نوردیک و رسم یونان باستان بعد از

1. Amateuism

2. Universalism (Internationalism)

سازگار نبود.

**۱ - جهانی بودن:** برانديج معتقد بود که کوبرتن با بازی های زمستانی المپیک مخالفت شدیدی داشت و بنا به نظر او فقط ورزش هایی که جهانی بودند، باید اجازه شرکت در برنامه المپیک را داشته باشند. از نظر کوبرتن ورزش های زمستانی (ورزش روی برف و یخ) جهانی و بین المللی نیست و ویژگی جهانی کمتری دارد. از نظر برانديج  $\frac{1}{3}$  کمیته های ملی المپیک، هیچ علاقه ای به شرکت در این بازی ها ندارد و آنها اصلاً هیچ فرصتی برای شرکت در بازی ها را ندارند؛ مگر این که برای تمرین به کشورهای دیگری سفر کنند. شاید بهتر بود که این بازی ها مستقل از المپیک و مشابه سایر بازی های قاره ای و منطقه ای برگزار می شد. وقتی از یک مدیر کمیته بین المللی المپیک سؤال شد که چرا برانديج با بازی های زمستانی مخالف بود، او پاسخ داد: «بر طبق منشور المپیک ورزش های المپیک باید جهانی باشد، نه فقط ۱۶ کشور برای کسب مدال در بازی های زمستانی شرکت کنند، آیا شما این بازی ها را جهانی می نامید.»

برانديج معتقد بود که حتی با افزایش تعداد شرکت کنندگان، هنوز بازی های زمستانی رویداد ناحیه ای یا منطقه ای است، چون تعدادی از کشورها با شرایط جغرافیایی خاص، مدال های بیشتری کسب می کنند. او بیان می کرد که این بازی ها هنوز از مناطق کوهستانی خارج نشده اند و نمی توان مسابقه های ورزشی آن را در هر شهری برگزار کرد. بر این اساس، برگزاری بازی ها در مکان های مختلف و مجزا، با ایده های المپیک در تعارض است؛ چون یکی از ایده های المپیک، گردهمایی همه جوانان جهان به دور هم است تا زندگی صلح آمیز و تفاهم بین المللی را در دوران مسابقه ها تجربه کنند.

**آماتورسیم:** برانديج خودش را نگهبان ایده آل های المپیک کوبرتن به حساب می آورد که باید در مقابل سیاسی شدن و اقتصادی شدن این نهضت دفاع می کرد. وی در نامه ای به اعضای کمیته بین المللی (۱۹۷۱) چنین نوشت: «من مخالف ورزش های زمستانی نیستم و این در طول دوره ریاست من ثابت شده است، من حتی مخالف ورزش حرفه ای نیستم که بخشی کاملاً قانونی در تجارت است. من مخالف چیزی نیستم، اما من برای بازی های المپیک هستم و باید درستی، پاکي و خالصی آن را حفظ کنم.» ایده آماتورسیم، معمای برانديج از مفهوم المپیزم بود و همه ارزش ها و اهداف اندیشه المپیک، به زعم او بر این پایه قرار داشت، ولی او از حذف آماتورسیم و ایده آل های المپیک که مانند خانه ای فرو می ریخت بسیار نگران بود. برانديج معتقد بود که ورزش مانند یک مجموعه یا کل هدفمندی است که فقط با ورزش آماتوری حفظ خواهد شد. از نظر او ورزش باید آماتوری باشد و در غیر این صورت، آن ورزش نیست. او در کتاب داستان المپیک می نویسد: ورزش آماتوری تنها ورزشی است که وجود دارد و اگر ورزش آماتوری نباشد، پس آن ورزش نیست؛ آن تجارت است.

بعد از جنگ جهانی دوم، ورزش زمستانی بویژه اسکی آلباین به تجارت بزرگی تبدیل شد و از آنجا که به ابزار نسبتاً گرانی نیاز داشت، نوید سوده های فراوان را نیز برای صنعت اسکی به همراه آورد. برانديج می خواست نهضت المپیک را خالص، درست و پاک نگه دارد. وی در سال ۱۹۶۰، در جلسه پنجاه و ششم کمیته بین المللی المپیک، اولین حمله شدید خود را به بازی های زمستانی شروع کرد. او گفت که این بازی ها هر چه بیشتر به سمت حرفه ای شدن حرکت می کند و به ورزش هاکی روی یخ و آماتورهای دروغین آن اشاره می کرد. در جلسه آتی (۱۹۶۰) بیشتر اعضای کمیته

از ارزش های سمبولیک و نمادین المپیک تغییر یافته است که اهمیت زیادی برای کوبرتن داشت. امروز نه فقط آماتوریزم بلکه وحدت مکانی بازی ها که از نظر کوبرتن سمبول دیگری بود، زیاد مهم نیست، زیرا بر اساس منشور المپیک در صورت نیاز، بازی های زمستانی را می توان در دو کشور برگزار کرد. یکی از موضوع های جدید در بازی های زمستانی المپیک سازگاری برخی از رشته های ورزشی با وضعیت بوم شناختی و حفظ محیط زیست است.

### زمینه های طبیعی و اجتماعی بازی های زمستانی

تحول کلی در بازی های المپیک از چند نظر مشاهده می شود، اگرچه هنوز به دوره طلایی بازی های تابستانی نرسیده است، به نظر می رسد پتانسیل خوبی برای توسعه و پیشرفت دارد. از سال ۱۹۷۲ تاکنون، مدام مبلغ قراردادهای تلویزیونی در بازی های تابستانی در حال پیشرفت است ولی در بازی های زمستانی رکود مشاهده می شود. همچنین به نظر می رسد بازی های زمستانی با ایده جهانی بودن المپیک در تضاد است. مثلاً بررسی در صد مدال های کسب شده در قاره های مختلف (اروپا ۸۴٪، آمریکا ۱۳٪، آسیا ۳٪ و آفریقا ۵٪) نشان می دهد بازی های زمستانی به کشورهای صنعتی نیمکره شمالی زمین، بویژه اروپا و آمریکای شمالی محدود شده است. جهانی بودن، واقعاً یکی از مهمترین ارزش های ایده المپیک است، زیرا دنیای معاصر سریعاً کوچک می شود و کشورهای مختلفی با فرهنگ های متفاوت شکل می گیرند.

بین المللی به نفع بازی های زمستانی رأی دادند. به هر حال، تلاش برای دفاع از ایده آل های المپیک تا چه اندازه می توانست با واقعیت های اجتماعی منطبق باشد؟ نهایتاً کمیته بین المللی المپیک در مقابل دو راه حل منطقی قرار گرفت. انطباق ایده المپیک با شرایط تغییر یافته ورزش های جدید یا حذف بازی های زمستانی. استدلال دیگر برانديج علیه بازی های زمستانی، ارتباط مستقیمی با ایده المپیک نداشت و هزینه زیاد، شرایط جوی زمستان، آسیب پذیری محیط (حفظ محیط زیست) و ورود بدون مجوز به محیط های طبیعی نیز از سایر نگرانی های موجود بود. وی در پایان عمرش چنین نوشت: «بدون تردید بازی های المپیک زمستانی هدف انسانی بزرگی را برای جلب توجه دنیا به ارزش های بهداشتی و سلامتی، ورزش های برفی و یخی داشته است، اما تجارت گرایی که در سطوح مختلف المپیک در حال رشد است، جداً باید از المپیک حذف شود.»

در دوره عمل گرایی<sup>۱</sup> لرد کیلانین و سامارانش، ششمین و هفتمین رؤسای کمیته بین المللی المپیک، بسیاری از موضوع ها به آرامی تغییر یافت بویژه، سامارانش به بسیاری از این تغییرات، شتاب بیشتری داد تا حرکت المپیک با نیازهای زمان سازگاری داشته باشد. قوانین بازی های زمستانی نیز برای برآوردن نیازهای ورزشی دنیای جدید تغییر یافت. عقاید ایده آلیستی، سنت های گذشته المپیک و ایده آل های قدیمی این نهضت کم رنگ شدند و کمیته بین المللی المپیک بیشتر به سمت دلایل، مفاهیم کاربردی و عملی برای هدایت حرکت خود استفاده کرد. امروزه، بحث آماتوریزم در مقابل سازگاری بازی های زمستانی با ایده المپیک قرار ندارد. جدا از درست یا غلط بودن این روند تدریجی، بسیاری

1. Pragmatic

بی‌علاقگی و نبودن تجانس فرهنگی با بازی‌های زمستانی مشاهده می‌شود. در قاره آمریکای جنوبی، کشور آرژانتین در ورزش‌های زمستانی فعال است و قاره اقیانوسیه (کشور استرالیا و نیوزیلند) نیز فقط دارای نقاط مساعد و مناسبی برای ورزش‌های آبی است.

کشور کانادا و آمریکا در قاره آمریکای شمالی، با برخورداری از رشد اقتصادی و امکانات طبیعی مناسب، در بازی‌های زمستانی فعال هستند. این کشورها با استفاده از ویژگی‌های مذکور، سرمایه‌گذاری‌های زیادی در زمینه فراهم‌سازی تأسیسات و جذب مریبان از کشورهای اروپایی می‌کنند. در قاره اروپا، کشیدگی رشته کوه‌های آلپ شرایط طبیعی بسیار مساعدی برای بسیاری از کشورهای اروپایی فراهم آورده است تا با استفاده از سایر زمینه‌های اجتماعی و اقتصادی، بازی‌های المپیک زمستانی را در انحصار کامل خود درآورند. بررسی نتایج بازی‌های زمستانی بویژه در دوره‌های اول این واقعت را آشکار می‌کند. بنابراین، مشاهده می‌شود که ورزش‌های زمستانی کاملاً جهانی نیست و جهانی شدن این بازی‌ها به شرایط اقتصادی وابسته است. رشد بازی‌های زمستانی کشورهای قاره آمریکای شمالی و آسیا (ژاپن) میزان دو دوره المپیک زمستانی) برای خروج انحصار بازی‌های المپیک زمستانی از قاره اروپاست، ولی هنوز هزینه‌گران ساخت امکانات مصنوعی؛ وسایل رفت و آمد به ارتفاعات و سایر تجهیزات فنی در بسیاری از کشورهای آفریقایی، آمریکای جنوبی و آسیایی فراهم نیامده است.

### آینده بازی‌های المپیک زمستانی

بررسی تاریخ بازی‌های المپیک (باستان جدید)

بازی‌های تابستانی و زمستانی باید فستیوال جهانی برای همه فرهنگ‌ها شوند تا بتوانند سمبولی از رقابت صلح‌آمیز شود و درک متقابل جهانی را افزایش دهد.

بر اساس ماهیت ورزش‌های زمستانی و با توجه به تغییر وضعیت جوی کره زمین و کاهش تدریجی میزان بارش برف طبیعی، برگزاری بازی‌های زمستانی به تکنولوژی پیشرفته و پرهزینه‌ای برای امکانات مصنوعی نیاز دارد. از یک طرف، نه فقط شرایط جغرافیایی و ناهمواری‌ها در بسیاری از کشورهای آسیایی، آفریقایی و آمریکا باعث کاهش پتانسیل بازی‌های زمستانی شده است؛ بلکه از طرف دیگر، شرایط اجتماعی بویژه اقتصادی لازم برای فراهم‌سازی تسهیلات مصنوعی در بسیاری از این کشورها وجود ندارد. به همین دلیل، تاکنون کشورهای شرکت‌کننده محدود و ثابت هستند؛ زیرا ارتفاعات و ناهمواری‌های آلپ در اروپای مرکزی و شمالی (سوئیس، اتریش، ایتالیا، نروژ و غیره) بهترین و مناسب‌ترین شرایط را برای بازی‌های زمستانی دارد.

قاره آسیا، با این‌که ارتفاعات تقریباً خوبی برای گسترش بازی‌های زمستانی است؛ ولی شرایط فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی برای این بازی‌ها هنوز آماده نیست. تعدادی از کشورهای آسیایی مانند ژاپن، چین و کره از کشورهای پیشرفته‌ای هستند که در این زمینه برنامه‌ریزی کرده‌اند. قاره آفریقا نیز از نظر اقلیمی، اقتصادی و فرهنگی، پتانسیل برای بازی‌های زمستانی ندارد و برخی از ارتفاعات در کشور آفریقای جنوبی یا ارتفاعات کنیا و اوگاندا شرایط لازم را برای بعضی از بازی‌های زمستانی دارد. قاره آمریکای جنوبی شرایط اقلیمی مشابه با آب و هوای استوایی و گرم دارد. اما، در هر دو قاره

سالن) بسیار زیادی نیاز دارد، اما سایر رشته‌ها را می‌توان در سالن‌های چندمنظوره و در شهرهای مختلف سازماندهی کرد. اکنون، بازی‌های تابستانی به دوره طلایی خود رسیده است. تحول سریع در تعداد شرکت‌کنندگان، تعداد رشته‌های ورزشی، فواید مالی و تماشاگران زیاد در بازی‌های تابستانی مشاهده می‌شود. آیا این تحول باید همچنان به سرعت خود ادامه دهد؟ آیا برای رسیدن به دورنمای بهتر نباید محدودیتی در این زمینه ایجاد شود؟ رشد بازی‌های تابستانی المپیک از جنبه اقتصادی، فنی، مدیریت و غیره مشکلات اجرایی فراوانی به دنبال خواهد داشت، در صورتی که بازی‌های زمستانی هنوز پتانسیل رشد و گسترش را دارند.

استفاده نکردن از پتانسیل بازی‌های زمستانی از نظر اقتصادی به نفع کمیته بین‌المللی المپیک نیست. امروزه ایده المپیک مطابق با نیازهای زمان تغییرپذیر و انعطاف‌پذیر شده است و ارزش آماتوریسم المپیک و سنت‌های المپیک باستان با نیازهای ورزشی مدرن کم‌رنگ شده است، پس چرا نباید تمایز بین ورزش‌های تابستانی و زمستانی را حفظ کرد. تلاش‌های زیادی (۱۹۸۰-۱۹۶۵) برای انتقال ورزش‌های تابستانی داخل سالن مانند بوکس، شمشیربازی و بسکتبال به بازی‌های زمستانی انجام گرفت؛ ولی هیچ فدراسیونی انتقال ورزش خودش را از بازی‌های تابستانی به بازی‌های زمستانی (شاید به دلیل حفظ پرستیژ) نپذیرفت. شاید فدراسیون‌های ورزشی زمستانی نیز اگر بین شرکت در بازی‌های المپیک تابستانی و زمستانی مخیر شوند، بازی‌های زمستانی را انتخاب کنند. به هر حال، چرا ورزش‌هایی مانند والیبال ساحلی در بازی‌های تابستانی سازماندهی می‌شود و چرا والیبال در بازی‌های زمستانی برنامه‌ریزی نمی‌شود؟ چرا

و تغییرات عمده موجود در دنیای درون و بیرون از ورزش مدرن نشان می‌دهد که احتمال بروز تغییراتی در بازی‌های المپیک زمستانی در آینده وجود خواهد داشت. شاید تمایز مهم موجود بین ورزش‌های تابستانی و زمستانی به تدریج از بین برود و ورزش‌های زمستانی برای استاندارد شدن بیشتر حرکت کند. همچنین شاید افزایش آگاهی بوم‌شناسی و زیست‌محیطی در ورزش‌های زمستانی موجب هدایت آنها به ورزش‌های داخل سالنی شود.

دنیای ما کوچکتر می‌شود و ما اکنون در دوره‌ای زندگی می‌کنیم که جنبه‌های مختلف زندگی و حتی فصولی به نام تابستان و زمستان معنی کاملاً خاصی دارد. در عرصه ورزش، ورزش تابستانی و زمستانی کمتر به معیار زمانی فصول وابسته است و بیشتر با مفاهیم جغرافیایی سنجیده می‌شود؛ البته برخی از ورزش‌ها (اسکی) به شرایط جغرافیایی خاصی مانند کوه نیاز دارند؛ اما تولید برف و یخ مصنوعی و ساخت سطوح بزرگ آبی، امکان برگزاری سایر رشته‌های زمستانی را در تابستان فراهم می‌آورد. حتی در آغاز بازی‌های المپیک، ورزش‌های زمستانی خاصی مانند اسکیت هنگام بازی‌های تابستانی برگزار شدند و در همان حال بوکس و فوتسال، ورزش‌های زمستانی به حساب آمدند.

بعضی از رشته‌های ورزشی خارج سالن، وابستگی زیاد به شرایط جوی دارد و باید در محیط طبیعی تمرین و اجرا شود، اما تمایل برای فرموله کردن و هنجارسازی این ورزش‌ها در محیط‌های سرپوشیده و داخل سالن در آینده وجود خواهد داشت. تمرین و رقابت، در شرایط استاندارد در داخل سالن برای این رشته‌های ورزشی، مشکل سازگاری اقلیمی و زیست‌محیطی را حل خواهد کرد. اسکی آلپاین به تسهیلات محیطی (بیرون از



شطرنج جزء ورزش های زمستانی نباشد؟ چرا نباید برخی از رشته های ورزشی قاره آفریقا را در برنامه بازی های زمستانی قرار داد تا ارزش جهانی بودن المپیک حفظ شود؟ بدون تردید پرورش های دیگری نیز در مورد آینده بازی های زمستانی وجود دارد که پاسخ برخی از آنها به پیشرفت اقتصادی-اجتماعی کشورهای مختلف جهان در تدارک امکانات مصنوعی وابسته است.

## منابع و مآخذ

- ۱- عطا بهمنش. بازی های المپیک ۱۹۸۸-۱۹۸۶. (کتاب سرا، چاپ اوک، ۱۳۷۶).
- ۲- احمد بوریا. بررسی میزان آشنایی صاحب نظران تربیت بدنی با جنبه های تاریخی و اجتماعی المپیک نوین. دانشکده تربیت بدنی. (دانشگاه گیلان، ۱۳۷۸).
- ۳- بیژن رحمانی. جغرافیای ورزش. دانشگاه آزاد اسلامی تهران. (چاپ اوک، ۱۳۷۳).
- ۴- رحیم رضائی نژاد. المپیک (تاریخچه، مشکلات و نتایج)، جزوه درسی تاریخ تربیت بدنی و ورزش. دانشکده تربیت بدنی. (دانشگاه گیلان، ۱۳۷۸).
- ۵- محمد عزیزی. بنیان فلسفی المپیزم. فصلنامه المپیک. کمیته ملی المپیک. سال چهارم، شماره ۲ و ۱، (بهار و تابستان ۱۳۷۵).
- ۶- هوشنگ فتحی. بازی ها. (انتشارات فرهنگ، چاپ اوک، ۱۳۷۱).
- ۷- اسماعیل کدخدازاده. بهای برگزاری بازی های المپیک ۱۹۹۶-۱۸۹۶. (انتشارات کرمانشاهی، فروردین ۱۳۷۲).
- ۸- اسماعیل کدخدازاده. آتن- بازگشت به مبدأ. (ناشر مؤلف، چاپ اوک، ۱۳۷۳).
- ۹- فرزانه لندری. اندیشه المپیک و تفاهم بین المللی. ترجمه رحمت الله صدیق سروستانی فصلنامه المپیک شماره ۲، (۱۳۷۲).
- ۱۰- مترجمین کمیته ملی المپیک. منشور المپیک. کمیته ملی المپیک. (۱۳۶۵).
- ۱۱- --. مدیریت و رهبری در ورزش. ترجمه رحمت الله صدیق سروستانی. کمیته ملی المپیک. (چاپ اوک، ۱۳۷۴).
- ۱۲- واحد آموزش و پرورش. نظریه هایی چند درباره المپیک باستان. فصلنامه المپیک. کمیته ملی المپیک. سال دوم، شماره های ۴ و ۳ (بایز و زمستان ۱۳۷۳).
13. Chalip, Laurence (1991); the revival of the modern olympic games & pierre de coubertin, 31<sup>st</sup> session, international olympic academy (IOA), 16<sup>th</sup> - 13<sup>th</sup> July.
14. Chu michael (1994), olympic movement towards the modern society of the 21<sup>st</sup> century, 34<sup>st</sup> session, IOA, august.
15. Dacosta, Lamartine (1992); the central problems of olympism, 34<sup>st</sup> session, IOA, august
16. Georgiadis, k (1999); the history of its establishment, aims & activities, 34<sup>st</sup> session, IOA.
17. Haig, Glen (1995); the components of the olympic movement, 35<sup>st</sup> session, IOA, July.
18. Hee, lynn(1992); the olympic dream, 31<sup>st</sup> session, IOA. July.
19. Heinemann , klaus (1992); the economic impact of the olympic games, 31<sup>st</sup> session, IOA. July.
20. Kampar & mallon(1992); who's who at olympic games (1896-1996).
21. Kieran, john & daley, artharur (1995); the history olympic games.
22. Lekarska. nadia (1992), from amateurism to Professionalism, 1<sup>st</sup> session, IOA, 20-27 may.
23. Pleket, H (1992); the olympic games & thier decline, 1<sup>st</sup> session, IOA, 20-27 may.
24. Ren, Hai (1995); the place of athletes in 21<sup>st</sup> century olympic games. 35<sup>th</sup> session, IOA, July.
25. Schantz, otto (1998); olympic ideals & the history of the olympic games, 6<sup>th</sup> International Postgraduate seminay on olympic games, IOA, olympic.
26. Wels, susan (1995); the olympic spirt-100 years of the games.
27. Yalouris, nikos (1991); the olympic games in antiquity, 31<sup>st</sup> session, IOA, July.
28. Yerles, magdeleine (1994); New political, economic, social & organizational aspects of the olympic movement, 34<sup>st</sup> session, IOA, august.
29. Young, david (1992); a new history of the modern olympic revival, 34<sup>st</sup> session, IOA, may.



شروېشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی